هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

تا دیر نشده باید استراتژی جامعه جهانی در افغانستان تغییر یابد

ص۲

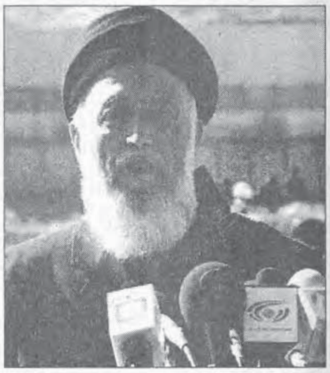
اعلاء کلمه الله نه به آن است ونه به این

ص۷

نقش نفت در حمله بر افغانستان

ص۵

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ شانزدهم شنبه ۲۳ سنبله ۱۳۸۷ - ۱۳ رمضان المبارک ۱٤۲۹ – 13, September 2008



استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در همایش هفتمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور:

این وضعیت قابل تحمل نیست و نیاز به تغییر دارد

ما نمی توانیم در برابر سرنوشت کشور و مردم خویش بی تفاوت بمانیم

اوضاع امنیتی در کشور با شتاب به سوی بدتر شدن می رود

ص۶

همایش هفته شهید

در کابل برگزار گردید



ازهفتمین سالروزشهادت قهرمان ملی کشور، شهید احمد شاه مسعود وهفتهٔ شهید، طی محفلی باشکوهی در کابل تجلیل به عمل آمد.

دراین همایش که در خیمهٔ لویه جرگه برگزار شده بود برعلاوه شرکت رئیس جمهور حامدکرزی رهبران جهادی، شماری از سفرا ودیپلومات های کشورهای دوست مقیم کابل و هزاران تن از شهروندان کابل و دیگر ولایات شرکت نمودند.

محفل ساعت یازدهٔ قبل ازظهر باتلاوت آیات ملکوتی قرآنکریم آغازیافت وسپس سرودملی نواخته شد.

براساس گزارش خبرنگار هفته نامهٔ مجاهد، رئیس جمهور کرزی طی سخنرانی دراین همایش شهدای افغانستان را مظهراقتدارکشورخوانده آزادی افغانستان را مرهون جان بازی های آنان دانست وازقهرمان ملی ستایش به عمل آورد. کرزی برخلاف گذشته زبان شکوه آمیزی نسبت به خارجیان داشت وخارجیان راکه معلوم نبود منظورش کدام کشور است، عامل تفرقه واختلاف دربین ملت افغانستان خواند. ادامه در ص۵

هفت سال

پس از آن روز



برای چنین کسانی که جز کشته شدن راهی برای شان باقی نمانده بود فرقی نمی کرد که عملی را که انجام می دهند چه عواقبی در قبال دارد و انفجاری که به میان می آورند تا کجا ویرانی و مرگ ببار می آورد.

وحید مژده

باز در سالروز واقعهٔ یازدهم سپتامبر قراز داریم. واقعه یی که از آن هفت سال می گذرد و در طول این مدت هزاران عنوان کتاب و مقاله در رابطه به این ماجرای حیرت آور به زبانهای مختلف به رشتهٔ تحریر درآمده و تحلیل های مختلفی ارائه شده است.

تحولات بعد از این واقعه و خونهایی که در انتقام از کشته های این جریان ریخته شد این سؤال را به میان می آورد که چرا این واقعه اتفاق افتاد؟ هدف القاعده از انجام این عمل چه بود و این سازمان تا کدام حد به اهداف خود دست یافت.

القاعده را کسانی اساس نهادند که در هیچ جای دنیا جائی برای آنان وجود نداشت و حتی کشور های متبوع شان نیز از پذیرفتن شان ابا داشتند. آنانی که روزگاری از نظر غرب قهرمانان دفاع از حریم آزادی به شمار می آمدند، به قربانیان پایان جنگ سرد مبدل شدند. اتحاد شوروی از میان رفته بود و آنها از نظر غرب به ابزار های بی مصرفی مبدل شده بودند که باید عرصهٔ میدان جنگی که دیگر به پایان رسیده بود از وجود شان پاک سازی می شد. ادامه درص۳

اعتراف به اشتباه

در واپسین فرصت



آیا دشواری های کنونی کشور وضعف حکومت که آقای کرزی نیز در سخنرانی خویش از آن یاد آوری نمود، ممکن است با جلب حمایت گروه های مخالف حل شود و به یکبارگی نا رسایی های حکومت برطرف شود، اکثر کارشناسان وقوع چنین معجزهٔ را بعید می دانند، آنها استدلال دارند که حکومت آقای کرزی چنان از داخل پوسیده و فاسد شده است که نسخهٔ وحدت ملی نیز برای اصلاح و تقویت آن کارساز نخواهد بود ص۲



فاضل سانچارکی سخنگوی جبههٔ ملی:

رئیس جمهور از قدرت دولتی در انتخابات ریاست جمهوری سوء استفاده می کند

فاضل سانچارکی سخنگوی جبههٔ ملی در یک گفتگو با تلویزیون آریانا با ذکر اشکالات قانونی نامزدی حامدکرزی در انتخابات آینده ریاست جمهوری گفت، رئیس جمهور از قدرت دولتی در مبارزات انتخابات خویش سوء استفاده می کند. وی در این زمینه از جابجای والی ها و برخی از مسؤولان بلند پایه دولت زمینه سازی برای چنین استفادهٔ یاد کرده افزود، رئیس جمهور در برخی ولایات برای خریدن آرای مردم دست به توزیع پول و موتر زده است.

سانچارکی در این گفتگو در پاسخ گرداننده برنامه که خواست یکی از نمونه های این سوء استفاده ویا توزیع پول را ذکر کند، اظهار نمود که جبههٔ ملی در صدد تهیه گزارش و اسناد این سؤ استفاده می باشد و در موقع مناسب آن را اعلان خواهد کرد. ادامه درص۸

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

تا دیرنشده باید استراتژی جامعه جهانی در افغانستان تغییر یابد

بحران در کشور وارد مرحلهٔ خطرناکی شده جنگ شدت بی سابقه یافته است، طالبان خود را تا دروازه های کابل رسانده اند، طالبان در ماه گذشته در یک رویارویی مسلحانه با نیروهای آیساف ۱۰ نفر از این نیروها را به قتل رسانده و ۲۱ تن دیگر را زخمی نمودند، دو ماه پیش نیز در برخورد مشابهی ۹ تن از سربازان امریکایی را در ولایت کنر از پا در آوردند. طبق گزارش وزارت دفاع امریکا حملات مخالفان بر نیروهای خارجی در سال ۲۰۰۸ چهل در صد افزایش یافته است.

طالبان در ماه گذشته در ولایت خوست در دو روز یازده حمله انتحاری انجام دادند. طبق آمار متنشرشده توسط وزارت دفاع امریکا، طالبان درسال جاری ۲۰۰ سرباز خارجی را به قتل رسانده اند.

دراین میان تلفات غیرنظامیان افزایش چشمگیری یافته، طبق گزارش سازمان دیدبان حقوق بشر، این تلفات در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال های قبل سه برابر شده است، تنها در یک حمله هواپیماهای امریکایی بر روستای عزیزآباد درهرات ۹۰ تن غیرنظامی به قتل رسیدند.

حکومت آلوده به فساد بوده، امیدی برای اصلاح و تقویت آن دیده نمی شود. بر اساس گزارش سازمان ملل سالانه هر خانواده در کشور، حدود صد دالر رشوت می پردازد. فقر و دشواری های اقتصادی بیش از هر زمان دیگر گریبانگیر مردم گردیده است.

این دورنمایی تاریک و نگران کننده از دید کسی پنهان نمانده است. هشدارهای از داخل و خارج شنیده می شود و طرح های برای بیرون رفت پیشنهاد شده است.

جبههٔ ملی چند روز قبل طرحی را دراین زمینه اعلان کرد که در آن برگزاری یک کنفرانس بین المللی مانند کنفرانس بن پیشنهاد گردیده است. بر اساس آن طرح، در کنفرانس یاد شده باید چالش ها مورد بحث قرار گیرد و استراتژی جدیدی برای افغانستان تدوین گردد.

در خارج از کشور نیز گفتمان استراتژی جدید برای افغانستان مطرح بحث است. چند روز قبل فرانسیس ویندریل نمایندهٔ اتحادیهٔ اروپا که اخیراً از پستش کنار رفته است، در مصاحبهٔ با رادیو بی بی سی تغییر اسراتژی جامعه بین الملل را جهت حل بحران کشور ضروری دانست. وی با ذکر اشتباهات جامعهٔ بین المللی در افغانستان، حمایت از شخص معین را اشتباه بزرگ خواند و اظهار داشت می بایست ما تقویت سیستم و جریان های سیاسی در افغانستان را مدنظر قرار می دادیم.

وی از ادارهٔ رئیس جمهور بوش انتقاد کرد و افزود تا زمانی که شخص دیگری در کاخ سفید نیاید تغییر استراتژی جامعه بین المللی در افغانستان ممکن نیست.

تغییر استراتژی در مورد افغانستان، در امریکا نیز مطرح است. مخصوصا باراک اوباما نامزد حزب دموکرات، در موارد متعددی از توجه به افغانستان و تغییر استراتژی امریکا سخن گفته است. اخیرا وی از فرستادن چند هزار سرباز به افغانستان، که توسط جورج بوش اعلان گردید، انتقاد نموده گفت، مشکل افغانستان با فرستادن چند هزار سرباز حل نمی شود، ما باید تغییرات اساسی را در استراتژی خویش در آن کشور درنظر بگیریم.

برخی از نظامیان و سیاست مداران امریکا، استراتژی جنگ در عراق را برای افغانستان پیشنهاد کرده اند، استراتژی جنگ در عراق، که توانست در کاهش شورش وفعالیت های القاعده و سایر گروه های مسلح موثر تمام شود، براساس افزایش نیروهای امریکایی و تشکیل گروه های مسلح علیه القاعده شکل یافته است.

گروه های مسلح عراقی که بنام "مجالس الصحوات" گفته می شود، متشکل از افراد وابسته به روسای قبایل سنی عرب می باشند، که در گذشته مناطق آن ها محل فعالیت عناصر القاعده و سایر شورشیان بود.

اما مخالفان این طرح آرامش بدست آمده در عراق را شکننده دانسته می گویند احتمال پس رفت در وضعیت آن کشور وجود دارد. از سوی دیگر واقعیت های افغانستان با عراق نیز متفاوت می باشد، که افزایش نیروها و تشکیل گروه های مسلح طرفدار دولت، دشواری هایی را در افغانستان در پی خواهد داشت.

ادامه در ص۸

اعتراف به اشتباه در واپسین فرصت



احمد مهدی

رئیس جمهور در مراسم بزرگداشت هفتهٔ شهید و هفتمین سالگرد شهادت قهرمان ملی سخنرانی مهمی ایراد نمود. مهمترین نکات این سخنرانی را اشاره به وحدت و یکپارچگی ملی، جلب حمایت رهبران مجاهدین و شکایت از فتنه انگیزی خارجیان تشکیل می داد.

حامد کرزی احزاب و شخصیت های مجاهدین را به اتحاد و یکپارچگی فراخواند و گفت بدون چنین کاری ما نخواهیم توانست وطن را بسازیم. وی افزود: ضعف حکومت افغانستان در حال حاضر پی آمد تفرقه و اختلاف می باشد. حامد کرزی در ایجاد اختلاف و تفرقه خارجیان را مقصر دانست و اضافه کرد، آنها کسی را جنگ سالار و کسی را خلقی گفتند و ما باید دیگر این اصطلاحات را بر زبان نیاوریم و دست وحدت به یکدیگر دراز کنیم.

سخنان آقای کرزی مورد توجه تحلیلگران واقع شده است. در همان محفل احمد ولی مسعود رئیس بنیاد شهید مسعود که از جملهٔ سخنرانان بود، با مهم خواندن آن سخنان گفت کاشکی رئیس جمهور چند سال پیش چنین می گفت.

سخنان آقای کرزی از این جهت که مردم کشورما اکنون به یکپارچگی وحدت نیاز شدید دارند، برخی مهمی از دشواری های ما ناشی از اختلاف و تفرقه می باشد و ما با اتحاد و همدلی می توانیم به آسانی بر چالش های کنونی فرا راه کشور فایق آییم، در خور اهمیت فراوانی است. البته این نیاز در گذشته هم قابل درک بود. احزاب و شخصیت های جهادی بر این عقیده اند که آنها در گذشته آن سخنان را بارها مطرح نمودند، اما رئیس جمهور و تیم بر سر اقتدار، آن را همیشه نادیده می گرفت و در جهت خلاف آن عمل می کرد.

جای تردیدی نیست که در سالیان اخیر وحدت ملی افغانستان شدیداً آسیب دیده، تعصب و اختلاف قومی، زبانی و سمتی ابعاد و زمینه های تازه یافته است. این پیشامد در گام نخست، در نتیجهٔ سیاست های تبعیض آمیز حکومت آقای کرزی به میان آمده است. در دوران این حکومت، برخلاف شعارها، نه تنها این که، گامی در جهت ملت سازی برداشته نشد بلکه متأسفانه، تفرقه و واگرایی قومی و زبانی ریشه دارتر و نهادینه تر شده و با برنامه های رسمی حکومت برای آن بستر سازی شده است.

از جانب دیگر حکومت در جهت انحصار قدرت، اقدامات آشکاری را انجام داده است. برخلاف اعتماد سادهٔ اندیشانهٔ برخی از رهبران گروه های مجاهدین، دولت با بهانه ها و دسایس مختلف به تدریج آن ها را از ساختار حاکمیت دور ساخت. حکومت آقای کرزی با استفاده از نهادهای وابسته مانند سازمان حقوق بشر افغانستان، که خود را مستقل می خواند، در جهت حذف جریان ها و شخصیت های سیاسی رقیب به دوسیه سازی پرداخت و با استفاده از اصطلاحات ناقضین حقوق بشر، جنگ سالار و القاب دیگری جنگ سیاسی و روانی را علیه آنان به راه انداخت.

اکنون آقای کرزی با صراحت گفته است برای ساختن افغانستان به مجاهدین و اتفاق ملی نیاز دارد، اکثر تحلیلگران گفته اند مفهوم این اظهارات این است که وی اعتراف می نماید سیاستی که در چند سال گذشته در رابطه با مخالفان سیاسی خویش داشته است، اشتباه بوده و اکنون می خواهد این اشتباه خویش را اصلاح نماید و آسیب های وارده بر وحدت ملی را جبران کند.

ظاهراً آقای کرزی در این سیاست اشتباه و نادرست، مسؤولیتی به دوش نگرفته خارجیان را مقصر معرفی نموده است که گویا آنها کسی را جنگ سالار گفتند و کسی را خلقی و درمیان مردم تفرقه ایجاد کردند.

آیا دشواری های کنونی کشور وضعف حکومت، که آقای کرزی نیز در سخنرانی خویش از آن یاد آوری نمود، ممکن است با جلب حمایت گروه های مخالف حل شود و به یکبارگی نا رسایی های آن برطرف گردد، اکثر کارشناسان وقوع چنین معجزهٔ را بعید می دانند

البته متضرر شدن وحدت ملی پدیدهٔ آشکار است، اما این که در این کار خارجیان مقصر اصلی می باشند و یا حکومت افغانستان، تا هنوز مورد ارزیابی دقیق قرار نگرفته است. اگر سیاست ایجاد تفرقه توسط حکومت طراحی و اجرا شده باشد، روشن است که مسؤولیت آن متوجه حکومت می شود و اگر چنین سیاستی را خارجیان به حکومت افغانستان دیکته کرده باشند بازهم، مسؤولیت آن متوجه حکومت می شود. در هر دو صورت برای حکومت آقای کرزی دشوار خواهد بود که بار مسؤولیت این اشتباه را از شانه های خویش دور سازد و با مقصر دانستن خارجیان بتواند اعتماد احزاب جهادی و دیگر گروه ها را به دست آورد.

ازسوی دیگربا توجه به این که از عمر حکومت آقای کرزی زمان زیادی باقی نمانده است و مخصوصاً ب توجه به گرایش ها و افکار انحصار گرایانهٔ برخی از نزدیکان پر قدرت آقای کرزی، جلب این همکاری چندان محتمل به نظر نمی رسد. این گروه ها تجربهٔ اعتماد بدون چون و چرا را که هنگام کنفرانس بن و در عملیه های سیاسی بعدی به آقای کرزی داشتند به یاد دارند که چگونه اعتماد آنها از طرف آقای کرزی نادیده گرفته شد وسرانجام یکی بی دیگری از قدرت کنار زده شدند. این اعتماد بیش از حد، در بیانیهٔ استاد ربانی رهبر جبههٔ ملی و رئیس جمهور پیشین که در نشست سالگرد هفتهٔ شهید ایراد شد، به عنوان یک اشتباه جبههٔ متحد سابق یاد آوری گردید.

اما آیا دشواری های کنونی کشور وضعف حکومت، که آقای کرزی نیز در سخنرانی خویش از آن یاد آوری نمود، ممکن است با جلب حمایت گروه های مخالف حل شود و به یکبارگی نا رسایی های آن برطرف گردد، اکثر کارشناسان وقوع چنین معجزهٔ را بعید می دانند، آنها استدلال دارند که حکومت آقای کرزی چنان از داخل پوسیده و فاسد شده است که نسخهٔ وحدت ملی نیز برای اصلاح و تقویت آن کارساز نخواهد بود، گروه های مخالف نیز این موضوع را درک می کنند و فکر می شود که آنها ریسک کنار آمدن با حکومت آقای کرزی، نپذیرند.

زمان طرح اتفاق ملی توسط آقای کرزی و انگیزه های آن قابل تأمل است. در گذشته رئیس جمهور تلاش های زیادی به منظور جلب حمایت طالبان و آقای حکمتیار انجام داد و حتی آمادگی خویش را جهت ملاقات با آنها اعلام کرد اما پس از تلاش های فراوانی هیچ نتیجه یی ا زاین طرح به دست نیاورد. به دنبال این شکست و در آخرین فرصت از روی ناگزیری سیاست جلب حمایت گروه های جهادی را روی دست گرفت. بنا بر این، این رویکرد گزینهٔ نخستین آقای کرزی نیست. از جانب دیگر فکر می شود امریکا و جامعهٔ جهانی که در گذشته سرسختانه از آقای کرزی حمایت می کردند، اکنون در نظر دارند از این حمایت دست بکشند، چنانچه فرانسیس ویندرل نمایندهٔ اتحادیهٔ اروپا که اخیراً از پست خویش کناره گیری نموده است. در یک مصاحبه با رادیو بی بی سی حمایت از شخص معین در افغانستان راا یکی از اشتباهات جامعهٔ جهانی ذکر نموده افزود، لازم بود ما به جای تقویت شخص سیستم را تقویت می کردیم و از جریان های سیاسی حمایت می نمودیم. وی جهت حل بحران افغانستان خواهان تغییر استراتیژی جامعهٔ جهانی گردید.

آقای کرزی می خواهد با طرح سیاست های مصالح ملی و جلب حمایت گروه های سیاسی مخالف مخصوصاً گروه های جهادی، بر خارجیان فشار بیاورد تا آنها بپذیرند که او یگانه شخصیتی است که می تواند وحدت ملی در افغانستان را تأمین نماید و مردم را پیرامون خویش فراهم ورد. بناءً اوست که سزاوار و شایستهٔ یگانه و همیشهٔ حکومت کردن و ریاست می باشد و باید خارجیان فکر کنار گذاشتن او را کنار گذارند. گذشته از این، برای افغانستان دموکراسی از نوع جمهوری های جهان عرب و آسیای میانه که رؤسای جمهور مادام العمر دارند مناسب تر است. !!



تجربهٔ اتحاد شوروی در افغانستان نشان داده بود که وقتی یک ابرقدرت همسایهٔ افغانستان از فایق آمدن به جنگجویان در این کشور عاجز آمد، ابرقدرتی که مجبور است سربازانش را از هزاران کیلومتر دورتر به این سرزمین بیاورد، برای نگهداری آنان نیاز به هزینهٔ هنگفت خواهد داشت.

***

هدف القاعده به خشم آوردن امریکا بود. خشم گاهی برای دشمن هرچند که قدرتمند هم باشد خطرناک و نابود کننده است. یک دشمن خشمگین و هراسان به هر جانبی حمله می کند و در مواردی، بیشتر از دشمن برای خود مشکل می آفریند.

بقیه از صفحهٔ اول

برای چنین کسانی که جز کشته شدن راهی برای شان باقی نمانده بود فرقی نمی کرد که عملی را که انجام می دهند چه عواقبی در قبال دارد و انفجاری که به میان می آورند تا کجا ویرانی و مرگ ببار می آورد. این است حقیقت استحالهٔ القاعده از یک موسسهٔ تأمین نیازهای لوژستیکی جنگجویان در دوران جهاد در افغانستان، به یک سازمان سیاسی نظامی که خطرناکترین سازمان تروریستی در جهان خوانده می شود.

تروریسم

ساده ترین تعریف از تروریسم ایجاد دهشت برای رسیدن به اهداف سیاسی است. این تعریف ساده نه تنها بر سازمان ها بلکه بر دولت ها نیز می تواند تعمیم یابد. مقولهٔ تروریسم دولتی که در ادبیات سیاسی نیمهٔ دوم قرن بیستم جا باز کرد بر دولت هایی که از راه ترور و وحشت سعی در امحای مخالفین دارند اطلاق شد.

اما امریکا و در مجموع غرب، در رابطه با تروریسم با معیار های دوگانه برخورد کردند. امریکا همه سازمان ها و دولت های مخالف منافع امریکا در جهان را یا تروریست خواند و یا مدافع تروریسم. در حالی که کشورهای دوست خود را هرچند دست در اقدامات آشکار دهشت افگنی داشتند، در این شمار نیاورد؛ به خصوص اسرائیل که بنیادش بر تروریسم نهاده شده بود. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، بعضی از گروه های ضد امریکایی در جهان اسلام از این که توسط امریکا تروریست خوانده شوند نگران نبودند بلکه تعریفی را که امریکا از آنان به عنوان تروریست داشت نشان از حقانیت مبارزهٔ خویش می دانستند.

وقتی یک ابر قدرت تحقیر می شود

قبل از واقعهٔ یازدهم سپتامبر دو اقدام تروریستی دیگر در جهان به وقوع پیوست که در آن القاعده متهم شناخته شد. حمله به سفارت های امریکا در نایروبی و دارالسلام و حمله به کشتی اتومی یو اس اس کول در خلیج عدن. در هردو واقعه امریکا القاعده را متهم نمود و در مورد هردو واقعه اسنادی را جمع آوری کرد و به طالبان سپرد و از آنها خواستار سپردن اسامه برای محاکمه گردید.

صاحب این قلم وقتی به وقایع آن زمان می اندیشم، درک می کنم که چرا رهبران القاعده سعی جدی در انکار این دو واقعه نداشتند و چرا (ابوحفص صغیر موریتانی) در آن زمان به جنگجویان عرب گفت که خداوند برادران ما را که در خلیج عدن حماسه آفریدند بیامرزد.

هدف از این عملیات دور از خاک امریکا، غافل ساختن امریکا از داخل این کشور بود. امریکا در آن زمان به این تصور بود که منافعش در کشور های آسیایی و افریقایی مورد تهدید قرار دارد و بنا براین توجه بیشتر به امنیت سفارت خانه های خویش در خارج معطوف نمود. به این ترتیب سازمان های استخباراتی از توجه جدی به داخل امریکا غافل شدند واین فرصتی بود که القاعده برای وارد آوردن ضربه از آن بهره برد.

یازدهٔ سپتامبر تحقیر شدن یک ابرقدرت به دست گروهی بود که اصلاً از نظر قدرت و توان اقتصادی و رزمی با هم قابل مقایسه نبودند. امریکا که از جنگ دوم جهانی به بعد عادت کرده بود ملت های دیگر را تحقیر کند، در مدت چند ساعت احساس کرد که به سختی تحقیر شده است. برای نخستین بار از طیارات مسافر بری به عنوان سلاح جنگی استفاده شد که هرگز تصورش نمی رفت. تروریست ها سازمان های عریض و طویل استخباراتی امریکا را به تمسخر گرفتند.

دشمن خشمگین

هدف القاعده به خشم آوردن امریکا بود. خشم گاهی برای دشمن هرچند که قدرتمند هم باشد خطرناک و نابود کننده است. یک دشمن خشمگین و هراسان به هر جانبی حمله می کند و در مواردی، بیشتر از دشمن برای خود مشکل می آفریند.

امریکا به افغانستان حمله برد

و در مدت دو سال به مقاومت زیاد جدی مواجه نشد. سرنگونی رژیم طالبان که تصور کاذبی از یک پیروزی آسان را به نمایش گذاشت، اغفال کننده بود. با توجه به این که امریکایی ها درک درستی از اوضاع اجتماعی افغانستان نداشتند، از همان ابتدا مشخص بود که وضع زیاد به وفق مراد آنان باقی نخواهد ماند. هوشدارهای زیادی داده شد که اگر نیروهای امریکایی در رفتار خود تجدید نظر نکنند، طالبان مجدداً مجال ظهور خواهند یافت اما به این هوشدارها توجهی نشد.

برخلاف انتظار القاعده، امریکا حتی بیشتر از حد معمول به خشم آمده بود! جنگ در عراق در پیشبینی القاعده شامل نبود اما امریکا با حمله به عراق، فرصت نهایت مساعد در اختیار القاعده نهاد تا همدردی بیشتری را در جهان اسلام کسب کند. این همدردی، در کنار پیوستن تعداد بیشتر جنگجویان به صف القاعده، دسترسی به امکانات مالی را نیز شامل می شد و در عین حال حملهٔ امریکا به عراق، ادعای جنگ علیه تروریسم را که به وسیلهٔ امریکا عنوان شده بود زیرسؤال برد و فرصت بسیار مناسب تبلیغاتی برای القاعده فراهم آورد. جنگ موجب مشکلات اقتصادی در امریکا شد. این تحول بیشتر از چیزی بود که القاعده می خواست.

هزاران زخم بر پیکر یک هیولا

جنرال اختر عبدالرحمن (رئیس قدرتمند آی اس آی در زمان زمامداری جنرال ضیاء الحق که همراه با وی یک جا در واقعهٔ سقوط طیاره به قتل رسید) تعریفی از تاکتیک رزمی مجاهدین افغان در دوران جهاد داشت. وی اتحاد شوروی را به یک حیوان قوی هیکل و خطرناک تشبیه کرد که نمی توان آن را در جنگ رویا رویی و با یک ضربت از پا درآورد بلکه برای از پا در آوردن این موجود باید هزاران زخم کوچک بر پیکرش وارد نمود. این زخم ها در دراز مدت موجب از پا افتادن این هیولا خواهد شد.

در این تیوری که مبتنی بر جنگ چریکی بود، شکست ماشین نظامی اتحاد شوروی در اولویت قرار نداشت بلکه فشار بر این ماشین جنگی و بالا بردن قیمت جنگ برای شوروی ها می توانست کمر اقتصاد اتحاد شوروی را درهم بشکند. منظور از زخم های کوچک ضربه های اقتصادی در یک دورهٔ چندین ساله بود که فروپاشی اتحاد شوروی را سرعت بخشید.

تجربهٔ شکست اتحاد شوروی سر مشقی برای القاعده در نبرد با امریکاست. القاعده افغانستان را میدان این نبرد انتخاب کرده است یعنی کشوری محاط به خشکه با کوه های بلند که دره های تنگ آن می تواند کمینگاه مناسب برای به دام انداختن دشمن باشد. کشوری که همسایگانش مخالف دخالت و حضور امریکا در این منطقه هستند و اگر دامنهٔ این جنگ از مرزهای افغانستان فراتر برود، نگرانی های کشورهای منطقه افزایش خواهد یافت که امریکا را به مشکلات بیشتری مواجه خواهد ساخت. خرابی روابط میان امریکا و پاکستان یعنی یگانه هم پیمان امریکا در این منطقه هدف دیگر القاعده بود.

اسامه بن لادن به این تصور بود که امریکا با حمله به افغانستان درگیر یک جنگ طولانی و فرسایشی خواهد شد. تجربهٔ اتحاد شوروی در افغانستان نشان داده بود که وقتی یک ابرقدرت همسایهٔ افغانستان از فایق آمدن به جنگجویان در این کشور عاجز آمد، ابرقدرتی که مجبور است سربازانش را از هزاران کیلومتر دورتر به این سرزمین بیاورد، برای نگهداری آنان نیاز به هزینهٔ هنگفت خواهد داشت. امریکا خواهان یک پیروزی سریع است و هر چند گاه با آوردن تعداد بیشتری سرباز، خود را بیشتر از پیش درگیر این جنگ خواهد ساخت و بیشتر از پیش در منجلاب افغانستان فرو خواهد رفت.

با توجه به تنش میان روسیه و غرب، خیلی ها به این باورند که روس ها اکنون از شوک ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی بیرون آمده اند و در صدد رویا رویی با غرب لااقل در مناطقی هستند که برای منافع آن کشور مهم تلقی می شود. آیا ما شاهد آغاز دور جدیدی از جنگ سرد هستیم؟ اگر چنین شود، وضع برای امریکا و غرب در این منطقه از جهان ناگوارتر خواهد شد.

اکنون هفت سال پس از واقعهٔ یازدهم سپتامبر، رهبران طراز اول القاعده هنوز کشته یا دستگیر نشده اند. جنگ امریکا به کشتار بیشتر غیرنظامیان انجامیده و طالبان و القاعده با گذشت هرروز قدرتمندتر می شوند. دریا سالار مایک مولن امریکایی سالها جنگ علیه تروریسم در افغانستان را قرین موفقیت نمی داند و از نیاز به یک تغییر در استراتژی ناتو سخن می گوید که حملهٔ مستقیم به مناطقی در خاک پاکستان را هم شامل است. درست همان چیزی که القاعده مشتاقانه خواهان آن است تا دامنهٔ این جنگ وسعت بیشتر یابد.



ای شخص روزه دار!

عبدالاحدتارشی

ای بندهٔ خدای
سیلاب تشنه کامی وموج گرسنگی
از رودبار روزه روانست سوی تو
شفاف تر ز روح صفاگستر بلور
تابنده تر ز نور
پویا و پرشتاب
آنسان که روشنی
می تازد اسپ سرعت خود را زدشت
مهر
زی منزل حیات
زی جان کائنات
زین آب زندگی
پر کن برای آخرت خویش جامها
آنجا که سایه ها همه را خشم آفتاب
جز سایه یی که عرش خداوند گسترد
نوشد بسان تشنهٔ از تشنگی کباب
زین موجهٔ عطش
سیراب اگر شود
ایمان عاشقانهٔ ایزدپرست تو
آنجا زلال چشمهٔ سیرابی و نجات
بس جام پشت جام گذارد به دست تو
***
ای بندهٔ خدای
طوفان تشنگی
سیل گرسنگی
از رودبار فقر

هرروز سوی کوخ فقیران برد هجوم
بس نعش های لاغر وپژمرده وضعیف
بردوش آن بسوی دیار فنا رود
بس ناله ها کزان
سوی خدا رود
گر تو شناکنی
دربحر روزه واقف ازین ماجرا شوی
آنگاه سیل رحمت و موج سخا شوی
***
ای بندهٔ خدای
ای دربهار نعمت وآرامش و رفاه
روئیده نقش پای تو هردم به صورتی
باری به دشت فقر
از قلب ساکنان حزینش برون نما
خار ضرورتی
اینست آن پیام
کانرا نوشته روزه به سی صفحهٔ عطش
وان را کند بیان به زبان گرسنگی
وینگونه است درس عیان گرسنگی
***
خوانی که روزه پهن کند از برای تو
درلحظهٔ غروب
درمطلع سحر
طومار رنج وفقر گروهی گرسنه است
دست غنا اگر
بنویسد از برای تو درسطر سطرآن
رنگینی لذایذ و پیغام خورد و نوش
این روی صفحه است
دربطن صفحه چشم بصیرت کشا ببین
لبهای بی تحرک و تبدار و تشنه را
وزدست دیو جوع به قلب گرسنگان
انواع دشنه را
***
ای بندهٔ خدای
هرصبحدم که نفس
برپشت اسپ تندرو اشتها سوار
تازد بسوی منزل افطار درغروب
باری سزد که وقت عبور از کویر جوع

وز دشت تشنگی
دستی دراز سوی زپاماندگان کنی
با پای آب و نان
درطی نمودن سفر مرگ زای فقر
امدادشان کنی
***
ای بندهٔ خدای
در برهٔ گذشتن ازین سنگلاخ اگر
پاهای نفس آبله پرگشت وچاک شد
اندیشه کن که طائفه یی درتمام عمر
برخار و سنگ این رهٔ پرپیچ و جان ستان
بی اختیار نقش قدم کشت می کنند
هرلحظه خویش را
دردشت مرگ و رنج و الم کشت می کنند
***
ای بندهٔ خدای
دردوزخ غرائز بی بندوبار خویش
تاچند سوختن
این شعله های سرکش وسعت پسند را
آب ار نمی زنی
گردد پلی زآتش جانسوز بی گمان
دربین دوزخی..
کاندر وجود خویشتن ایجاد کرده یی..
وان دگر که دردل عقبا برای خویش
با دستهای معصیت آباد کرده یی
***
از شعلهٔ صیام
آتش بزن به خرمن این هیزم گناه
کانرا به شوره زار عمل جمع کرده یی.
زان روز پیشتر که نشینی فراز آن
واتش بران زنند گروه فرشتگان
***
ای بندهٔ خدای .
ای درجحیم خواهش حیوانی درون
گم کرده راه خویش
این تشنگی رهیست که تامنزل بهشت
بادست خویش روزه برایت نموده باز
وین جوع همرهیست که ایمن نموده
است
راه ترا زحملهٔ گرگان حرص و آز
***
ای بندهٔ خدای
مهمان نازنین و عزیز و مقدسی
آید بسوی تو
کز گرد مقدمش
درآسمان عشق دمد آفتابها
پیچد به جان باغ عبادت گلابها
***
دیوارهای نور
درچارگرد این مهٔ اقدس کشیده اند
کزآن عبور لشکر شیطان بود محال
گر لحظهٔ ورود به آن قلب خویش را
با خویشتن بری
محفوظش از تهاجم شیطان نموده یی
محظوظش از حلاوت ایمان نموده یی
***
ای بندهٔ خدای
درنیمه های شب
جاری نمای رود سرشک شبانه را
بگذار تا به اشک تو ایمان وضوکند
بگذار تا فرشته به باغ پرستشت
خود را میان سبزه و گل جستجو کند
***
درخلوت سحر
درسینهٔ دعا
قلبی زالتماس بنه کز تپیدنش
شوق گریستن به دل آسمان تپد
واندر سپهر نیلی اخلاص و بندگی
دل درکنار دل
از جنس آفتاب و مه وکهکشان تپد
***
ای بندهٔ خدای
ای شخص روزه دار
این سیل تشنه کامی و موج گرسنگی
کز قله های عشق و خلوصت روان
شده
بربستر قبول دوان باد سوی دوست
قلب ترا به شانهٔ امواج خود برد
درجستجوی دوست

شعری از صلاح الدین جویا

به آمر صاحب بزرگ شهید احمد شاه مسعود

ازاین خرابه روان تا دیار عشق شدی
از این مدار چه خوش رهسپار عشق شدی
چه دیر سرزدی از دودمان کوه ونبرد
چه زود رفتی و حلاج دار عشق شدی
***
و بعد از آنکه تو حلاج دار عشق شدی
هرسال قامت استوار هندوکش
بلندای پامیر و جلگه های سبز تخار
در عزای تو میمانند،
و سنگ سنگ ازاین سرزمین یتیم
ستایشگرخسته گی های تن تو میشود
خسته گی های که
هرگز از پایت نینداختند
پنجشیر
با همهٔ سنگ و چوب و خاک و
شمالی
با همهٔ بلوط و بید و تاک
ترا درود میگوید، ترا زخویش میداند
مسعود! مگر تو قطره یی اشکی به چشم یارانت
که سرد ترین آه این دیار غریب
ترا به خویش میخواند
به جستجوی تو ای یار سرزمین بلند
کجا کجا برود چشمهای سرگردان
بگو که او کجا برود
بگو که ما کجا برویم
که تو همیشه وهردم، برای میهنت بودی
امید میهنیان، دست وپای میهنت بودی
چه خوب کردی نگفتی، جنوب وشرق وشمال
چرا که خوبترین آشنای میهنت بودی
برای دشمن خاین نماند جای سوال
چو گفتی هیچ نخواهم جنوب شرق وشمال
و همراهیان حزینت
با دلهای نا آرام، برای آرمانت، به یمن خاطر پاکت
برای پیکر آرام یافته در خاکت
که بازمانده یی یعقوب لیث بود و بو مسلم
درود میخوانند، ترا عزیز میدارند
به خانه خانه یی این سرزمین سوگ زده
برای تو چون قلب می تپیم همه
برای تو چون قلب میتپند همه
ترا و نام ترا برای تبرک
چونان هدیه ای پاک
تحفه می بندیم
ترا کجا دگر یابیم
به صفحه های سینه و اوراق چشمهای آب آلود
مگر نهان شده ای
که سرزمین بزرگ تو خاطرات ترا
چونان هدیه ای پاک
برای نسلهای دگر تحفه می بندد
وبعد از آنکه تو حلاج دار عشق شدی
بگو بگو که ملت تو
شکوه عشق وعصیان زنده بودن را
چسان نیاز کند-
وبعد از آنکه روح تو رو به قبله یی شهادت کرد
بگو بگو که ملت تو
برای حریتش بر که اقتدا سازد
چگونه قد فراز کند
نماز حریتش را
چسان نماز کند.



نقش نفت در حمله به افغانستان

دهستانی

افغانستان جایگاه مهمی را در استراتژی امریکا در قرن ۲۱ جهت کنترول و تسلط بر منابع نفت وگاز در مناطق دارای انرژی آسیای مرکزی و قفقاز احراز کرده است.

اکنون امریکا ۵۱ در صد نفت خام مورد ضرورت خویش را یعنی ۱۹,۵ ملیون بشکه را از خارج وارد می کند. ادارهٔ انرژی امریکا برآورد کرده است که آن در سال ۲۰۲۰، ۶۴ در صد نفت خام خود را که بالغ بر ۲۵,۸ ملیون بشکه در روز می باشد، وارد خواهد کرد و پیش از پیش به نفت وارداتی وابسته خواهد شد.

قرن ۲۱ را می توان قرن مبارزه برای کنترول و تسلط مناطق نفت خیز جهان نامید، کشورهای بزرگ مصرف کننده بخاطر کنترل مناطق ژیواستراتژیک به رقابت می پردازند این رقابت ها بازی بزرگ جدید را به بار آورده است. بازیگران عمده این عرصه امریکا، جاپان، کانادا، هند، چین می باشند که هرکدام از این کشورها صف بندی های مختلف را علیه یک دیگر تشکیل داده اند. دراین رقابت ومبارزه امریکا که بیشتر وابسته به نفت و ذخایر خارجی است تحت بهانه های بنام تووریزم، سلاح های کشتار جمعی بخاطر اشغال مناطق نفت خیز جهان، به اشغال کشور های افغانستان و عراق پرداخت، تا از طریق این دوکشور به مناطق نفت خیز خاورمیانه، آسیای مرکزی و منطقه حوضچه کسپین دست یابد. برعلاوه عراق به عنوان دومین کشور دارای ذخایر بزرگ نفتی اهمیت استراتژیکی دارد.

ذخایر نفت منطقه کسپین سومین منطقه انرژی دار جهان که ممکن است، پس ۱۴ یا ۲۰ سال برای جبران نفت خلیج فارس اهمیت فراوان پیدا می کند.

نفت کسپین تنها نیست بلکه صحرای ترکمنستان سومین ذخایر وسیع گاز طبیعی جهان را در خود جا داده است که حدود سه تریلیون مکعب متر تخمین شده است. بر علاوه ذخایر بزرگ و وسیع گاز، این منابع ضرورت های انرژی امریکا را برای مدت بیشتر از ۳۰ سال تامین می کند.

بوش و دیک چینی معاون رئیس جمهور امریکا که روابط نزدیک با کمپنی های نفتی امریکا دارند و بحیث هیات رئیسه در بسیاری از این کمپنی های خدمت کرده اند، طراح عملیات نظامی در عراق و افغانستان می باشند.

پاپ لاینی که از افغانستان عبور خواهد کرد، نسبت به خلیج فارس و چین به بازار های کلیدی آسیایی بسیار نزدیک تراست و این پاپ لاین برای کمپنی های نفتی امریکا ضروری پنداشته می شود، این پاپ لاین به کمپنی های امریکایی اجازه می دهد تا نفت خود را در بازار های آسیایی و افریقایی بفروش برسانند که برای رونق اقتصادی و دستگاه های صنعت آن کشور نهایت مهم و حیاتی می باشد

جان فلندر در مقالات مختلف خود بنام های، حمله به مرکز تجارت جهانی، نفت وگاز کسپین و اتصال پایپ لاین افغانستان می نویسد:" نظریه و پالیسی ما(امریکا) ملاحظات امنیتی و اقتصادی است وما باید آن رابه هر وسیله ممکن، صرف نظر از دیگر ارزش ها، طرح ریزی نمایم".

یک گزارش حکومت امریکا در مورد افغانستان بیان می دارد که، موقعیت جغرافیایی آن کشور بحیث یک راه ترانزیتی برای صدور نفت و گاز طبیعی از آسیای مرکزی به بحریه عرب اهمیت فوق العاده دارد. دراین زمینه پایپ لاین صدور نفت و گاز چندین بلیون دولاری از طریق افغانستان مهم می باشد"

منطقه کسبین که سرشار از ثروت نفت وگاز به ارزش ۴ تریلیون دالر می باشد، امریکار را واداشته تا این گنج زیر زمین را بدست بیاورد. بر اساس تحلیل های جهانی دیک چینی معاون رئیس جمهور امریکا که، یک بازیگر ماهر در صنعت نفت امریکا می باشد به هیات رئیسه نفتی امریکا گفت" من قبلا فکر کرده نمی توانستم که ما منطقه داریم که به صورت آنی و فوری به حیث یک منطقه استراتژیک ظهور کند و این منطقه ساحات کسپین می باشد.

باب تودوری، معاون اجرائیوی یونیکال گفته است" این کمپنی یک کنسرسیوم بین المللی را برای اعمار پایپ لاین آسیای مرکزی از طریق افغانستان که ارزانترین و کوتاه ترین راه می باشد رهبری می کند. اروپای غربی یک بازار با دوام است که تولید نفت و افزایش رقابت ها را از گاز طبعی و نفت مشخص می سازد وعلاوه برآن این منطقه به رقابت های جدی مواجه است".

معاون یونیکال می گوید" پاپ لاینی که از افغانستان عبور خواهد کرد، نسبت به خلیج فارس و چین به بازار های کلیدی آسیایی بسیار نزدیک تراست و این پاپ لاین برای کمپنی های نفتی امریکا ضروری پنداشته می شود، این پاپ لاین به کمپنی های امریکایی اجازه می دهد تا نفت خود را در بازار های آسیایی و افریقایی بفروش برسانند که برای رونق اقتصادی و دستگاه های صنعت آن کشور نهایت مهم و حیاتی می باشد. برای عملی ساختن انتقال انرژی از طریق افغانستان و تسلط بر کنترول دخایر نفت خاورمیانه به یک حکومتی که بتواند امنیت و ثبات را برکشوربر گرداند، نیازمند است وحکومت امریکا درنظر دارد تا تغییرات را در آن کشور بوجود آورد تا پروژه انتقال گاز از آسیای مرکزی از طریق افغانستان به پاکستان و بحیرهٔ عرب جامه عمل بپوشد.

همایش هفته شهید در کابل برگزارگردید ...

کرزی همچنان ازضرورت همگرایی ووحدت مردم صحبت کرد وتاکید نمود که کشورجورنمی شود جز به دستان اولادهای این خاک وسرزمین.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت مردم افغانستان، در سخنان خویش ضمن برجسته نمودن جایگاه فرهنگ جهاد وشهادت که آنرا یک فریضه اسلامی خواند ازنقش مجاهدین درآزاد سازی کشورازشر توطیه ها وتجاوزا ت دشمنان یاد نموده و سیاست کنار زدن مجاهدین را مورد انتقاد قرار داد. وی افزود دولت کنونی که در نتیجهٔ ایثارگرای های مجاهدین به میان آمد، به آنها توجهی نکرد.

سپس استادبرهان الدین ربانی که رهبری جبههٔ ملی را نیزبه عهده دارد در ادامهٔ صحبت خویش پیام آن جبهه را به خوانش گرفت که درآن تاکید شده بود. دیگرجبهه به دنبال هیچ ائتلاف سیاسی نبوده کاندیدی واحد ومشخصی را درانتخابات سال آینده معرفی خواهد کرد.

امیراسماعیل خان وزیرانرژی وآب که در سالیان جهاد ومقاومت جبهات جهادی جمعیت اسلامی افغانستان را درغرب کشوررهبری می کرد و افتخارات بی شماری برای کشور و جهاد به وجود آوردگفت : مردم افغانستان زندگی توأم با ذلت را هیچ گاهی نه پذیرفته اند، آن ها درتنگ دستی وفقر می توانند زندگی کنند اما در اسارت نه، اوافزود مسعود شهید ازجمله آنانی بود که نام او با آزادی، جهاد ،صلح ونیم قرن مبارزه گره خورده است ودرمنطقه وجهان ازشهرت و اعتبار به سزایی برخوردار می باشد

استاد سیاف رهبرحزب دعوت اسلامی سخنران دیگری این محفل بود. او از خاطرات خویش در بارهٔ مسعود شهید یادآورشد. و گفت مسعود نابغه جنگ های چریکی بود و خطاب به وزارت دفاع گفت بایدشما از تجربیات مسعود در جنگهای دفاعی که می توانست از امکانات اندک استفادهٔ بزرگی نماید، درس بگیرند.

استاد سیاف با اشاره به شدت جنگ در کشوربا کلمات عامیانه اظهار نمود: این میدان را اگر مجاهدین نزند، پدر کسی زده نمی تواند.

حاجی محمد محقق نماینده مردم درپارلمان دراین همایش گفت : مسعود اعتقاد به نظام مردم سالاری داشت وهمیشه آرزویش این بود که یک نظام مردمی برمبنایی انتخابات آزاد به میان بیاید .وی برنامهٔ اردوسازی را غیرشفاف خوانده تاکید کرد، باید دولت مردان ازنیروهای باتجربه که سابقه جنگ باترویزم را دارند استفاده نمایند. اوگلایه کرد که دولت، مجاهدین را ازصفوف اردو کنار زد، به همین سبب است که طالبان والقاعده امروز تادروازه های کابل یعنی سروبی وچوک ارغندی رسیده اند.

او با اظهار نگرانی از وضعیت امنیتی کشور، بی تفاوتی در برابر آن را نادرست خواند او با ذکر حدیثی از حضرت علی مردم را به چاره اندیشی در برابر این وضعیت فراخواند.

مهسا طایع بانوی نویسنده و ژورنالیست کشور در مورد قهرمان ملی گفت، مسعود مردبزرگی بود که زندگی ومرگش آبستن وقایع بزرگ دردنیا گردید ونباید دیگرانی که درسایه اوکسی شدند به بهانهٔ رنج های او وقهرمانی هایش به قهرمانی وشخصیت سازی خود بپردازند.

طایع بااشاره به وضعیت بحرانی افزود: اگرتاریخ را به فرصت ها تقسیم کنیم امروزآخرین فرصت است، تا دیرنشده تصمیم بگیریم وازبحران کنونی کشوررا نجات بدهیم.

احمد ولی مسعود رئیس بنیاد شهید احمد شاه مسعود آخرین سخنران نشست بود. او با انتقاد ازکارکرد های دولت حرف های ریئس جمهوررا مهم خوانده گفت: صحبت های امروزی ایشان برایم خیلی جالب بود ، ای کاش آنچه را که امروزگفتند طی شش سال گذشته به آن عمل می کردند .اوراه برون رفت از بحران کنونی کشور را وحدت ملی خواند وتاکید کرد که گزارازبی اعتمادی دربسترتنگ قومی ونظریات غیرملی میسر نمی شود.

محفل بادعای شیخ شنواری قاضی القضات اسبق به پایان رسید.

گزارش از نذر الله عنایت

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان در همایش هشتمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور:

این وضعیت قابل تحمل نیست و نیاز به تغییر دارد



خانم ها، آقایان! جهان ومردم افغانستان این حقیقت را به روشنی می دانند که ما در مبارزه علیه اشغالگران، در سه دهه اخیر با تمام نیرو وتوان مبارزه کردیم. دوره مقاومت از دوره های درخشان تاریخ مبارزات آزادی خواهانه درافغانستان است

الحمدلله والصلاة والسلام علی عباده الذین اصطفی. قال الله تعالی

برادران وخواهران مجاهد وياران و همسنگران مسعود شهيد ، هفتهٔ شهيد وسالروز شهادت فرزند برومند وقهرمان ملی کشور را به همه شما مبارکباد می گويم ، تجليل ازهفتهٔ شهيد تجليل ازيک ملت است ، ملتی که شهادت را به عنوان يک فرهنگ پذيرفته و درراه آزادی سربلندی وطن آن را به گرمی استقبال می کنند.

خداوند فرموده است: **(من المومنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ينتظر ومابدلوا تبديلا).**

ازجمله مسلمانان مردانی هستند که به عهد خويش با خداوند وفا کردند و به ملکوت اعلاء پيوستند ومردان ديگری هستند که در انتظار شهادت می باشند. بعد ازشهادت آنها را ه همسنگران شان را عوض نکرده به سوی هدف بزرگ که داشتند، با گام های استوار قدم برمی دارند.

عزيزان! می خواهم به ارتباط جهاد و شهادت مطالبی را به عرض برسانم.

جهاد در فرهنگ اسلامی ما به عنوان يک فريضه است که با تأ سف به نظر بسياری از انسان هايی که با عينک سياه به سوی ارزش های فرهنگ اسلامی می بينند، جهاد را يک جريان خشونت بار و جريان خشک نظامی معرفی گرديده است. در حالی که جهاد حرکت مسلحانه آزادی بخش است که در دفاع از ارزشهای هر ملت مؤمن و مسلمان توسط آنها صورت می گيرد. پيغمبر خدا صلی الله عليه وسلم فرموده است: **(لارهبانية فی الاسلام و رهبانية امتی الجهاد فی سبيل الله)** در اسلام ترک دنيا نيست، و رهبانيت امت من جهاد در راه خداست، جهاد گران انسان های وارسته يی هستند که مانند راهبان در محراب راز و نياز با خدا نشسته اند.

جهاد در اسلام برای آزادی انسان های مظلوم و در بند صورت می گيرد که امروز عاليترين پيام سياست مداران دنياست. خداوند می فرمايد: **(وما لکم لا تقاتلون فی سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا أخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنک وليا و اجعل لنا من لدنک نصيرا)** اين آيت هدف جهاد را بيان می کند: "ای مردم شما چرا برای نجات بيچارگان، مردان، زنان و اطفالی که می گويند: خدايا ما را از سرزمين ستمگران نجات ده و برای ما مددگاری بفرست". جهاد اصلاً به معنای ايجاد نظم و قانون و برای احيای ارزش های حقوقی انسانی است.

پس جهاد با اين تعريف در فرهنگ اسلامی يک حرکت انسان ساز و حرکت آزادی بخش است، که در برابر جنايت کاران و ستمگران انجام می يابد. خداندوند می فرمايد: **(کتب عليکم القتال و هوکرهٌ لکم)** جنگ بر شما لازم شد اگرچه مورد پسند شما نيست. جنگ يک نا گزيری برای شما ست. شهادت هم در اسلام به معنای حملهٔ انتحاری نيست، شهادت به معنای مظهر ايثار است برای نجات ديگران، حرکت های کور انتحاری که باعث کشتارکودکان و زنان و انسان های مظلوم می شود شهادت نيست.

برادران و خواهران! در هفتهٔ شهيد که از شهيدان بزرگ و به خصوص از سپه سالار شهيد تجليل به عمل می آوريم بايد فرصتی باشد که ما به گذشته نگاه کنيم، به اوضاع کنونی بينيم و به آينده نظر اندازيم. قبلا برادرمحترم محقق صاحب شکوه يی داشتند از اين که پنج هزار افراد مسلح شان با بی سرنوشتی روبه برو شدند اين يک واقعيت است. در سفری که در رخصتی های تابستانی پارلمان به ولايات شمال کشور داشتم با يک تن از فرماندهان مشهور دورهٔ جهاد مولانای سيد خيل، از بغلان به پروان آمديم، او حکايتی کرد که نشانهٔ آشکار محروميت مجاهدين می باشد و نشان می دهد دوستان بين المللی ما با چه نگاه اشتباه آميزی به ما و مردم افغانستان می بينند. او گفت: روزی مسؤولان داياگ آمدند و ما ده ها ميل سلاح ثقيل و خفيف خود را تسليم آن ها کرديم و بعد گفتيم تکليف و سرنويشت افراد ما چه خواهد شد؟ گفتند: عدهٔ آنها را درصفوف قوای مسلح جا به جا می کنيم. گفتم خودم چه کار کنم؟ گفتند برايت يک هوتل می سازيم! برای شان گفتم عجب کاری می کنيد هوتلی ها را می آوريد زعمای سياسی و وزير می سازيد اما ما را هوتلی!

شما می دانيد که درشورای ملی اکثر مجاهدين حضوردارند، ولی دولت به تصميم گيری های اين شورا ارزشی قايل نيست. لذا چه کار بايد کرد؟ تا جايی که من برداشت دارم تحولات تنها از طريق فکر و فرهنگ به ميان نمی آيد، تحولات در جهان انسانی از طريق حرکت های سياسی، و تدابير دسته جمعی صورت می گيرد. حضرت عثمان می فرمايد: (إن الله يضع بالسلطان ما لايضع بالقرآن) خداوند توسط قدرت سياسی تحولاتی را به وجود می آورد که تنها توسط خواندن قرآنکريم نمی توان آن را به مردم انجام داد.

پس از گذشت هفت سال، سالروز شهادت قهرمان ملی کشور، احمدشاه مسعود وهفته شهيد، درحالی برگزار می شود، که هنوز آرزو ها وخواست هايی که مردم افغانستان برای به دست آوردن آنها قربانی های بی شمار دادند ومبارزات طولانی وپر مشقتی را از سر گذراندند، به دست نيامده است.

شهيدان افغانستان به ويژه شهدای بزرگ اين سرزمين مانند سردار شهيد، احمد شاه مسعود، شهيد حاجی عبدالقدير، شهيد ملا نقيب الله، کاظمی شهيد و شهيد عبدالعلی مزاری وصد ها هزار شهيد ديگر، رسالت شان را دربرابر ملت وميهن شان به انجام رسانيدند وآينده اين کشور را به ما سپردند، اما با تأسف بايد گفت که آنچه درهفت سال گذشته در افغانستان، به انجام رسيد، متناسب باقربانی های اين ملت و متناسب با نياز های مردم وکشورما نبوده است.

اين را نمی توان ناديده گرفت که دراين چند سال گذشته، افغانستان و مردم آن دست آورد هايی درعرصه های مختلف، از جمله درعرصه سياسی داشته اند، اما با تأکيد بايد گفت که اگر طرح و اجرای برنامه های دقيق وهمه جانبه مد نظر می بود، می توانست ، دست آوردهای به مراتب بهتر و بزرگتری رانصيب مردم وکشور ما بسازد.

حاضران گرامی! درحال حاضر ما با بحران بزرگ ديگری روبه رو هستيم. اوضاع امنيتی درکشور با شتاب به سوی بدتر شدن می رود. طالبان وديگر مخالفان مسلح مردم افغانستان، بخش های بزرگی از کشور را ناامن ساخته اند وحتی دامنه فعاليت های شان را به دروازه های پايتخت رسانيده اند. نيروهای نظامی وامنيتی خارجی وداخلی درمهار کردن فعاليت های طالبان کامياب نبوده اند واين همه برخاسته از نبود استراتيژی های مشخص برای مقابله با دشمنان افغانستان است.

شعار های عمرانی و بازسازی، آن گونه که درنخستين ماه ها و سال های پس از سرنگونی طالبان، سرداده می شد، درعمل تطبيق نشده اند و مردم نتيجهٔ اين طرح ها را در زندگی روزمره شان کمتر احساس می کنند.

باوجود اين که شماری از طرح های بازسازی درکشور به اجرا گذاشته شده اند، فراموش نبايد کرد که اين طرح ها نيز باکندی وبا کيفيت پائين، اجْرا شده اند.

فقر وگرسنگی گلوی مردم افغانستان را می فشارد، براساس آخرين آمار داده شده از سوی منابع داخلی وخارجی، نزديک به پنج ميليون افغان در زير خط فقر زندگی می کنند اين درحاليست که جامعهٔ جهانی درشش سال گذشته، بيش از بيست ميليارد دالر را برای بهبود اوضاع، به ويژه وضعيت اقتصادی افغانستان، اختصاص داده است. ما درحالی که مانند همه مردم افغانستان، از اين کمک ها سپاس گزار هستيم. باور داريم که مصرف غير شفاف و بدون برنامه ريزی اين کمک ها سبب شده است که نتايج به دست آمده از آن، نتواند قناعت مردم ما را فراهم سازد يا حد اقل، نيازهای اوليه آنان را برآورده سازد.

خانواده های شهيدان، معلولان و معيوبان درکشور، حالت اسفباری دارند، کشت، توليد و قاچاق مواد مخدر، اعتبار افغانستان درجهان را به شدت لطمه زده است وسرانجام ده ها وصد ها مشکل ديگر گريبان گير مردم اين سرزمين است. اين وضعيت قابل تحمل نيست و نياز به تغيير دارد. ما در جبهه ملی افغانستان و گروه ها وشخصيت های ملی و سياسی که با جبهه ملی درهمکاری نزديک قرار دارند، خواهان، تغيير اين وضعيت هستيم ونمی توانيم دربرابرسرنوشت کشور ومردم خويش بی تفاوت بمانيم.

ترديدی نيست که درجريان تحولات چند سال اخير درکشور، ما هم اشتباهات خورد وبزرگی داشته ايم. بخشی از اين اشتباهات برخاسته از خوشبينی هاو خوشباوری هايی بوده اند که ما در رابطه به رهبری کنونی سياسی درکشور داشتيم وبخشی ديگرهم از بی اعتمادی حاکم ميان شخصيت ها وگروه هايی که درآزاد ساختن افغانستان از سلطه طالبان و القاعده، سهم عمده داشتند، منشأ می گرفت.

با وجود اين همه، ما منتظر بوديم که رهبری کنونی دولت با استفاده از منابع ملی، تخنيکی وبشری که دنيا دراختيار افغانستان گذاشت وبا استفاده از مهره هايی که به باور اين رهبری ، می توانست بهتر از ما کار کند، امور مملکتی را به پيش ببرد. اين انتظار ديگر قابل دوام نيست. به باور ما وضعيت کنونی به سود افغانستان و مردم آن نيست و ما اراده داريم که دربيرون کشيدن کشور ومردم خود از بحران کنونی، دست به کار شويم.

خانم ها، آقايان! جهان ومردم افغانستان اين حقيقت را به روشنی می دانند که ما در مبارزه عليه اشغالگران، در سه دهه اخير با تمام نيرو وتوان مبارزه کرديم. دوره مقاومت از دوره های درخشان تاريخ مبارزات آزادی خواهانه درافغانستان است. در اين دوره مردم افغانستان صرف نظر از تعلقات زبانی، قومی، منطقه يی وسياسی دربرابرتجاوز گران طالبان وحاميان خارجی شان مبارزه کردند.

نقش سردار آزاده گان وقهرمان ملی کشور، شهيد احمد شاه مسعود و ديگر شخصيت هايی که اين مبارزه را رهبری می کردند، روشن تر از آن است که بخواهيم در باره آن سخن بگوييم. اين را می دانيم که جهان درآن دوران مردم افغانستان را تنها گذاشت و ما مجبور بوديم در برابر نيرويی که سرنوشت مردم و سرزمين ما و حتی سرنوشت بشريت را تهديد می کرد، به تنهايی مبارزه کنيم. اما اکنون باور داريم که سرنوشت جامعهٔ جهانی با سرنوشت افغانستان ومردم آن گره خورده است و ما درچهار چوب يک همکاری صادقانه با جامعهٔ جهانی، که درآن نقش هردو طرف، کاملاً روشن باشد، می توانيم افغانستان را از بحران کنونی بيرون بيريم وجهان را از خطر افراط گرايی وهراس افگنی، نجات دهيم. بحث قانونمند ساختن حضور نيروهای خارجی در افغانستان و روابط افغانستان با کشورهايی که با ما کمک وهمکاری می کنند، می تواند درچارچوب روابط آينده ما مشخص شود، اما اين بدان معنا نيست که ما خواسته باشيم مانند شماری ازگروه های درون وبيرون دولت، مردم را در برابر حضور نيروهای خارجی تحريک کنيم يا با کمک و همکاری جامعهٔ جهانی با افغانستان، مخالف باشيم. ما حساسيت روابط افغانستان با همسايه گان خود را می دانيم وباور داريم که با استفاده از تجارب سی سال اخير، می توانيم اين روابط را به بهترين حالت آن، شکل بدهيم.

ملت بزرگ افغانستان! دراين جا می خواهيم به منظور انجام مسؤوليت ملی وتاريخی برای رسيدن به قدرت سياسی که ازطريق آن بتوانيم به مردم افغانستان خدمتی انجام داده باشيم تصميم خويش را اعلام کنيم. اراده ما اين نيست که دربرابر نظام وجامعهٔ جهانی قرار بگيريم. جبهه ملی افغانستان تصميم دارد ازطريق مشروع، در مبارزات انتخاباتی رياست جمهوری سهم بگيرد و بر بنياد معيار های دموکراتيک، به ياری پروردگار وحمايت مردم افغانستان قدرت سياسی را به دست گيرد و ازهمين جا می خواهيم اعلام کنيم که ما در انتخابات رياست جمهوری سال آينده، کانديدای واحد و مشخص خود را خواهيم داشت، با تاکيد بايد گفت که تلاش ما اين است که تا کانديدای ما، هم برای مردم افغانستان وهم برای دوستان جامعهٔ جهانی، قابل قبول بوده ظرفيت های لازم را برای اداره کشور داشته باشد.

ما ديگر دنباله رو اين يا آن نخواهيم بود. ما برنامه های مشخصی برای آينده کشور خود داريم که قبل از انتخابات رياست جمهوری، درفرصت مناسب به تشريح و توضيح آن به مردم افغانستان وحاميان بين المللی اين ملت خواهيم پرداخت.

تلاش برای ايجاد وحدت ملی، عدالت اجتماعی، به کرسی نشاندن اصول ومعيار های دموکراتيک مبتنی برارزش های والای دين مقدس اسلام وسرانجام، طرح و اجرای برنامه هايی که بتوانند مشکلات امنيتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سياسی و نيز توليد مواد مخدر در کشور را به شدت کاهش دهد و يا کاملاً از ميان بردارد، درسرخط کار ما قرار خواهد داشت وهمکاری مردم افغانستان وجامعهٔ جهانی ممد اصلی طرح و اجرای اين برنامه ها خواهد بود.

اعلاء کلمه الله نه به آن است ونه به این

سیدعنایت الله شاداب / استاد دانشگاه کابل

هفته یی که گذشت، عنوان هفته شهید را بخود گرفته ودرآن ازشهدای افغانستان دربرابرتجاوزشوروی ومقاومت دربرابرتوطیه های منطقه ای وبین المللی درتجاوز به این کشور ازطرف جنوب، تجلیل وبزرگداشت به عمل آمد که کاری بود ستودنی.

کاری که ازگیرایی ودلربایی ویژه درمیان اقشارمختلف ملت ومردم این سرزمین برخورداربوده وتجلیل ازجایگاه ومقام شهیدان دراین هفته بدون شک تداعی گرآن جانبازی هاوقهرمانی ها یی است که شهداء درراه دفاع از دین ومیهن وافتخارات خویش جان های خود را نذر تحقق این اهداف والا کردند.

یقیناً شهید در فرهنگ اسلامی ما از جایگاه والا برخورداراست. ولی پرسش اساسی که در پیوند این تجلیل ها و بزرگداشت ها از دراذهان ملت ما جوانه می زند این است که آیا تجلیل ها تنها در همین سخنوریَ ها و همایش های نمادین است و یا این که لازم است در پهلوی آن از بازماندگان واخلاف شهیدان و بیچارگان و واماندگان دلجویی صورت پذیرد و به آن ها تلقین گردد که شهیدان با خون هایی پاک خود، افتخارات ملی را آفریدند واین بازماندگان ازحق بزرگی درمیان ملت ما برخورداربوده ودولت ها ونهادهای مدعی میراث دار پیام شهداء، در برابراین بازماندگان مسؤولیت سترگی را به عهده دارند که نمی شود آن مسؤولیت خودرا با این حرف ها را ادانمود.

این احساس وایثار نهادهای سیاسی واجتماعی در برابرشهیدان و وارثان آن ها و باورمندی ملت را به دفاع از دین وافتخارات میهن شان زنده نگه داشته وچراغ آن را روشن نگه می دارد، در پیوند به این بزرگداشت ازمقام شهدا که درسطح وسیعی ازطریق رسانه ها ی تصویری وشنیداری و نوشتاری به نمایش درآمد، همان سخن قهرمان ملی شهید مسعود اذهان را بخود جلب کرد. این سخنرانی که ازطریق رسانه ی تصویری هم پخش گر دید، درجمع فرماند هان درشاه سلیم ایراد گردیده بود.

آنگاه که مسعود ازموجودیت کاستی ها درجبهات سخن می گفت به نکته مهمی تماس گرفت که درحقیقت عامل وانگیزه اساسی رستاخیزملی مارا دربرابر تجاوزبیگانگان، تشکیل می دهد که همانا جهاد برای اعلای کلمه الله است.

شهید مسعودگفت: " معنای اعلای کلمه الله این نیست که ما تکه سبز را برفرازکوهی برافرازیم ولی مردم امنیت مالی نداشته باشند ونه هم امنیت جانی ..."

بدون شک این برداشت مسعو د برخاسته ازآموزه های دینی بود مکتبی که ازآن درس فداکاری وجانبازی را

> **نسل جوان امروزکه نقش اساسی را درساختارآینده بازی می کند، خودرا درنوعی حیرت وسردرگمی احساس کرده وزندگی عملی مدعیان رهبری ملت را درتضاد باگفته ها وشعارهای آنها می نگرند.**

آموخته، وهدف ومفاهیمی را که این شعار حاوی آن می باشد درک نموده بود.

آری همان گونه که تنها برافراشتن سبزینه درفش برفرازکوه نمی تواند، مفاهیم شعاراعلای کلمه الله را تمثیل کند، تنها برگزاری چنین همایش ها درزیرسقف ها هم نمی تواند ممثل آرمان های شهدا درراستای تامین اهداف انسانی این شعاردرجوامع باشد، که به گونه ها ی مختلف با بی عدالتی ها وستم ها ومظالم دست وگریبان می باشد.

آری اعلای کلمه الله نه به این است نه به آن "

اعلاء کلمه الله ویا برپایی مفاهیم حق وعدالت وبرپایی یک جامعه انسانی بدور از لجام گسیختگی وانارشیزم ونابرابری های اجتماعی، درسطوح مختلف آنگا ه می تواند با چهرهٔ واقعی خود تحقق یابد که قشرهای ستمزده جامعه، خویشتن را محروم احساس نکرده واین باوربه آنان دست داده باشدکه ازنام شان بهر ه برداری نارواصورت نمی گیرد، دراین وقت است که مردم بویژه اخلاف شهدا، سپاهیان بالفعل راه تحقق آرمان شهدای خود بوده ودربرابرهرگونه احساس خطر نسبت به دین میهن وافتخارات تاریخی خویش، آماده قیام ودفاع ازآنها خواهند بود.

اما برعکس در صورت نبود برنامه های وارسی ازخانواده های شهیدان ومشاهده فاصله وتفاوت زندگی که بین مردم ونهادهای مدعی باسداری ازآرمان آنان، وجود دارد، بازماندگان شهداء دچارحس یأس ونومیدی شده، خویشتن را نسبت به این گونه شعارها بیگانه احساس می کنند ه عملاً درمخالفت وبدبینی نسبت به آن ها قرار خواهند گرفت.

بادرد وافسوس فروان که امروزدرجامعه ما درمیان اقشارمختلف مردم بویژه درمیان مجاهدین وخانواده های شهداءعدم اعتماد به این گونه شعارها حاکم بود ه وحتی مفهوم قیام دربرابرتجاوز آن گیرایی ودلربایی راکه داشت ازدست داده است.

نسل جوان امروزکه نقش اساسی را درساختارآینده بازی می کند، خودرا درنوعی حیرت وسردرگمی احساس کرده وزندگی عملی مدعیان رهبری ملت را درتضاد باگفته ها وشعارهای آنها می نگرند.

بدون شک گسترش چنین بینشی درنسل جوان پیامد های ضرورباری درآینده این ملت خواهد داشت که همه نهادهای سیاسی منسوب به جریان های اسلامی مسؤولیت آنرابدوش دارند.

نتیجه این گونه کارکردها ی نمادین وبدورازتوجه به وضع زندگی اکثریت خاموش این ملت مجاهد، همان است که نسل آینده کشوربابرداشت منفی ازاین گونه کارهای نمادین، با ملاحظه تفاوت گفتارها وشعارها با واقعیت های عینی زندگی بازماندگان شهداء، دیگر به همه فعالیت های اسلامی بدیده شک نگریسته وهمراهی باصفوف اسلامی وسربازی درراه آن رامورد سوال قرارمی دهند که چنین موضعگیری پیامد های، پیش بینی شده را بدنبال دارد.

باملاحظات یادشده هنوزهم می توان اعمال گذشته مورد بازنگری قرارگیرد ودرمیان نسل جوان این گونه فعالیت های نمادین ازطریق کارهای اساسی اعتماد سازی شود ورنه شعاراعلاء کلمه الله نه به آن تحقق می پذیرد است ونه به این.

د نړیوالو مرستو له باران سره هم، دولتي مامور سؤال ته اړ دی ...

او د پاتې نړۍ یا د کمونیزم پرخلاف د افغانانو او مجاهدینو سره د مرستندویه هېوادونو (امریکا او لویدیځې نړۍ ځینې نورو هېوادونو) مرستې د پاکستان او ایران له لیارې ځینو افغانانو ته رسیدې چې هغه هم د افغانانو د اقتصادي حالت د سمون او آبادۍ لپاره نه، بلکې د جګړې د ګټلو لپاره وې او نظامي مرستې وې او که څه غذایي مرستې هم وې نو د ګاونډیو د چاڼ وروسته افغانانو ته رسیدې، او هغه هم په پاکستان او ایران او یا نورو هېوادونو کې میشتو مهاجرینو او کډوالوته، نه ټول افغان ولس ته.

اوس نو د ټولې نړۍ په حشر د بن د توافقاتو په نتیجه کې د راغلي حکومت په دوره کې چې دا دی له هغې مهاله یې تر اوسه نږدې اوه کلونه هم پوره کیږي او بیا هم د ولس عام وګړي خو پریږده چې د فقر او ولږې په بټېو کې وسوځي، بلکې د دریم بست دولتي مامور هم په کې په نس نه مړیږي، نه پوهیږو چې دا د نړیوالو دوستانو! کمال دی او که له لویدیځه راغلېو هغه ملي! شخصیتونو او وزیرانو چې د هېواد په اساسي قانون کې یې پانګوال نظام په ډیره هوښیارۍ او چالاکۍ سره په یو قاچاقي تعبیر (د آزاد بازار په کلمې) سره تېر کړ او له نېکه مرغه په هغه جرګه کې هم له محدودو پوهو او دردیدلو افغانانو پرته ډیری هغه کسان ؤ چې یا خو د قوماندان د نوم تر شا د بشر د حقوقو د دوسیې د لړلو له ویرې چوپ پاتې کیده. او یا د هغه مهال

> **خو نه پوهیږو چې د احدي په تقویم کې نوی کال کله راځي؟ د نوموړي د وظیفې له اشغال راهیسي خو دغه دی پنځه کلونه نوی شو، ګمان کوم چې احدي صاحب هماغه څلور کاله وړاندې زړه جنتري په جیب کې ساتلې او د همدې لپاره یې نه نوې کوي چې بیا ورځخه د کال نوي کیدل معلومیږي!**

د مرکزي او سیمه ایزو ځینو چارواکېو شتون یې د مزاحمت له دی لامله مانع ګرځیده که داسې پالیسۍ په جرګه کې غوره کړي چې د مطرحو لوړېو په خوښه نه وي، ښایي د جرګې وروسته ورځخه ورکړاي شوي ریاستونه او لرلي دندې واخستی شي چې د همدغې موخې له مخې خو دي خلکو د هېواد د اساسي قانون جرګې ته لیار پیدا کړي وه، ورنه څوک چې د دولت په مهمو پوستونو او ریاستونو کار کوي، کله حق لري؟ چې د قانون جوړوني ارګان ته لاړ شي او هلته دې د نظر خاوند اوسي: څکه څوک د ځان په اړه د قضاء او پریکړې حق نه لري.

نو نن چې د نړیوالو لخوا د اوه ویشت ملیاردونو مرستو وروسته او دا دی د پاریس په کنفرانس کې د څه د پاسه شلو ملیاردو نورې مرستې سره هم په دې هېواد کې د فقر دا حالت وي چې د دریم بست مامور په کې دې ته اړ کیږي چې له خلکو بسپنه وغواړي، دا د دولت لپاره او د دولت سره د مطرحو سیاسي شخصیتونو او په دې دولت او حکومت کې د نظر لرني حق لرونکېو لپاره د شرم ځای دی، چې لاتر اوسه په دې هېواد کې زموږ ولس د فقر او غربت په پنجوکې راګېر دی او په دې هېواد کې د آزاد بازار له برکته د مؤسساتو او نړیوالو او انجوګانو یوه داسې واکمني شتون لري چې په کې کارکوونکي په زرګونو ډالري تنخواګاني اخلي او په اړه یې دولت لاتر اوسه د نړیوالو دوستانو د دې لپاره په اقناع ندی قادر شوی چې خپلې ټولې مرستې دولت ته وسپاري او د دولت د پلان او منصوبې له مخې یې د دولت په لاس د افغانستان د بیا رغاونې او آبادۍ لپاره وکاروي.

له بلې خوا پخپله دولت هم د یو بام او دوه هوا هغه پالیسۍ پرمخ بیایي چې یو شمېر نازولي په کې سپرسکیل معاشونه، لوی لوی دسترخوانونه او ډالري امتیازونه لري او همدغه وګړو سره په یوه دفتر کې په یوه بست باندې کارکوونکي نور مامورین بیا هماغه دولتي تنخواګانې لري چې د فاني دنیا ته تللی واکمن ظاهر شاه په وخت کې ورته ورکول کیدلې.

اوس پوښتنه داده چې آیا د دغه دوه ډولو مامورینو په ګیډو کې څه توپیر دی؟ چې د یوې ډلې لپاره د درې زرو افغانېو په شاوخوا کې تنخواګانې کفایت کوي او د بلې ډلې لګښتونه بیا همدومره او یا لا دهغې څخه هم څو برابره ډیرې ډالري تنخواګانې پوره کولاې شي؟ آیا یوه ډله (د نازولېو ډله) انسانان دي، اولادونه لري او ښو غذاګانوته اړتیا لري؟ او ښایې چې پوهه او زده کړې یې هم له دولسم ټولګي څخه له فراغته پرته یوازې د انګلیسي ژبې سره بلدیت او د کمپیوتر یو څو پروګرامونو پوهیدل وي، او بله ډله چې ډیری یې ښایې د لوړو زده کړو خاوندان هم اوسي، له لیسانس څخه تر دوکتورا پورې زده کړې هم ولري خو د لومړۍ ډلې د انګلیسي او کمپیوتري زده کړو څخه یې په دې میدان کې تجربه . چې د یو کال څخه نیولې تر یو نیم کال پورې موده کې دا هر څه زده کیدای شي . کمه وي، د دې وړاندې چې سپرسکیل او ډالري معاشونه واخلي، آیا دوی انسان ندي؟ اولادونه نلري؟ او که د لومړۍ ډلې (د دولت نږدې نازولېو) له ګیډو څخه یې ګیډې وړې او اړتیاوي کمې دي؟!

او د مالیې وزیر احدي دې هر کال په دې غولوی چې د دولتي مامورینو د تنخواګانو د زیاتوالی لپاره لایحه او قانون ډیر نږدې خلاصیدونکی دی، دغه دی د عدلیې وزارت پاس کړ! ولسي او د مشرانو جرګېوته ولیږدول شو او د نوی کال له آغاز څخه به د ټولو دولتي مامورینو تنخواګانې لوړې شي! چې ښکته معاش به یې دومره او لوړ به یې دومره وي! خو نه پوهیږو چې د احدي په تقویم کې نوی کال کله راځي؟ د نوموړي د وظیفې له اشغال راهیسي خو دغه دی پنځه کلونه نوی شو، ګمان کوم چې احدي صاحب هماغه څلور کاله وړاندې زړه جنتري په جیب کې ساتلې او د همدې لپاره یې نه نوې کوي چې بیا ورځخه د کال نوي کیدل معلومیږي!

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ شانزدهم شنبه ۲۳ سنبله ۱۳۸۷ - ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۲۹ 13, September 2008

نیت روزه ماه رمضان

ترجمه و اختصار از کتاب در المختار

نیت روزه رمضان آن است که شخص در دلش قصد ادای روزه را نماید. ذکر این نیت بر زبان و بیان آن با کلمات و عبارت لازم نیست. زفر رحمه الله علیه گفته است نیت کردن در ماه رمضان هر روز برای مقیم تن درست لازم نیست، چون روزهای این ماه خاص روزهٔ فرض رمضان می باشد.

وقت نیت، از غروب روز پیشین آغاز می گردد و تا زمان طلوع روز مورد نظر ادامه پیدا می کند. در این مدت هر زمانی که روزه داشتن در روزآینده را نیت کند، درست است، و اگر نتوانست در این مدت نیت نماید در جریان نیمه نخست روز می تواند نیت نماید. چون در این صورت اکثر روز را با نیت روزسپری نموده است.

نیت روزهٔ قضایی و روزهٔ نذری د



رجریان روز درست نبوده باید شب نیت صورت گیرد.

در روزهٔ نفل نیت کردن در روز صحیح است. چون پیامبر "ص" وقتی در غیر ماه رمضان روزی چیزی برای خوردن نمی یافت آن روز را روزه می گرفت.

روزهای ماه رمضان چون خاص روزهٔ فرضی است، نیت در نیمهٔ اول روز صحیح می باشد و اگر بعد از چاشت نیت نماید، روزهٔ وی دُرست نیست. و اگر در روز رمضان نیت ادای روزهٔ فرض را نداشته باشد و مطلق روزه را نیت کند، روزهٔ فرضی وی ادا می شود چون این ماه خاص این روزه می باشد، با نیت مطلق روزه، رکن نیت به جا می آید و نیت درست می شود. چون از حضرت علی و از حضرت عایشه رضی الله عنهما روایت شده است که ایشان در روز شک یعنی روزی که دانسته نمی شود آیا آخر شعبان است و یا اول رمضان، مطلق روزه را نیت می کردند و می گفتند اگر فردا رمضان باشد، روزهٔ ما روزهٔ رمضان است و اگر رمضان نباشد نفل است و اما بهتر آن است که در ماه رمضان در دل، شبانه برای برگزاری روزه فردا نیت گردد.

اما در صورتی که روزه دار مریض و یا مسافر باشد و نیت روزهٔ غیر رمضان را نماید، مثلاً نیت کند که روزهٔ قضایی و یا نذری می گیرد، در این صورت مطابق نیتش روزهٔ قضایی و یا نذر حساب می شود. چون بر مریض و یا مسافر روزهٔ رمضان لازم نیست. اما در این مورد نظر دیگری هم وجود دارد که می گوید روزهٔ رمضان حساب می شود چون، او وقتی می تواند روزه بگیرد، پس روزهٔ رمضان بر وی ثابت می شود.

رویداد های مهم هفته

دستگیری یک قاچاقبر سلاح در کابل

ریاست امنیت ملی شب دوشنبه ۱۸ سنبله بر اساس اطلاعات کشفی بعد از راه اندازی عملیاتی در ناحیه چهارم شهر کابل یک قاچاقبر سلاح را با مقداری زیاد سلاح بازداشت کرد. به گفتهٔ ریاست امنیت ملی شخص مذکور سلاح و مهمات یاد شده را از ولایات همجوار کابل خریداری کرده و آن را برای شورشیان انتقال می داد.

حملهٔ انتحاری در نیمروز

روز شنبه ۱۶ سنبله براثر یک حمله انتحاری در ساختمان ادارهٔ دادستانی ریاست امنیت ملی ولایت نیمروز سه تن کشته شدند. در خبر آمده است که کشته شدگان شامل دادستان ادارهٔ امنیت ولایت نیمروز، پسرش و یک محافظ وی خوانده شده است. غلام دستگیرآزاد والی نیمروز گفته است که شخص انتحارکنند موتر مملو از مواد انفجاری را در داخل ساختمان اداره انفجارداده است، اما شاهدان عینی گفته اند که انتحارکننده مواد انفجاری را به بدنش بسته بود وخود را به عنوان گدا داخل ساختمان ادارهٔ دادستانی امنیت ملی کرد.

دوحمله انتحاری درشهر قندهار

وقوع دو حمله انتحاری روز شنبه ۱۶ سنبله درفرماندهی پلیس ولایت قندهار باعث کشته شدن دو فرد پلیس و مجروح شدن بیست و نه تن دیگر گردید. مطیع الله فرمانده پلیس قندهار با تایید این خبر گفته است که در میان مجروحان پنج فرد ملکی نیز وجود دارد.

کشته شدن پنجاه شورشی در ارزگان

نیروهای خارجی در یک عملیات هوایی شب سه شنبه۱۹ سنبله بر یک مخفیگاه شورشیان در ولایت ارزگان بیش از پنجاه شورشی را به قتل رسانده اند. مسؤولان امنیتی ولایت ارزگان گفته اند که این عملیات بعد از بدست آمدن اطلاعات استخباراتی راه اندازی شد و در میان کشته شدگان شورشیان پاکستانی نیز شامل اند.

حمله برکاروان اکمالاتی نیروهای خارجی در پکتیا

گروه طالبان شب سه شنبه ۱۹سنبله، بر یک کاروان اکمالاتی نیروهای خارجی در ولایت خوست حمله کرده و ۳۹ عراده موتر را به آتش کشیدند. این حادثه در ولسوالی زرمت ولایت پکتیا روی داده و دراین رویداد دو تن از رانندگان نیز کشته اند.

حملهٔ راکتی به شهر کابل

شب سه شنبه ۱۹ سنبله شهر کابل مورد اصابت دو فیر راکت قرار گرفت، مسؤولان امنیتی پرتاب راکت ها را تایید کرده و گفته اند که در این حملهٔ راکتی به کسی آسیب نرسیده است. این راکت ها در ساحهٔ شش درک شهر کابل اصابت کرده اند.

اختطاف چهارکارمند یک شرکت امنیتی

گروه طالبان روز یکشنبه ۱۷ سنبله چهار کارمند یک شرکت خصوصی امنیتی را در ولایت وردک ربودند.

این افراد زمانی ربوده شدند که گروهی از افراد طالبان کاروان مربوط به این شرکت را در ولسوالی سیدآباد ولایت وردک مورد حمله قرار دادند.

د نړیوالو مرستو له باران سره هم، دولتي مامور سؤال ته اړ دی!

شفیق

څو اوني وړاندې د کارته آریانا په یو جامع جومات کې د مابنام لمانځه وروسته یو افغان په ژړغوني غږ سره له خلکو (لمانځه ته راغلېو مسلمانانو) څخه د مرستې غوښتونکی شو. هسې خو په جماعتونو کې د معمول له مخې وخت په وخت بې وزله وګړي له خلکو بسپنه غواړي او دا په هره غریبه ټولنه کې یو عادي حالت وي؛ ځکه د اسلام سپیڅلی دین په مسلمانانو کې د غریبو او بې وزله وګړو او د ټولنې د فقیرانو او مسکینانو سره د مرستې او خوا خوږۍ لپاره خپل پیروان هڅولي، چې خپلی فرضي او نفلي صدقې (زکاتونه او خیراتونه) دغه وګړو ته ورکړي، او په دې ترتیب د اسلام د ټولنیز تکافل او خپلمنځي خواخوږۍ روحیه ژوندۍ وساتي او له ټولنې څخه د فقر او ولږې په له منځه وړلو کې هر مسلمان خپله دنده سرته ورسوي.

> **پخپله دولت هم د یو بام او دوه هوا هغه پالیسی پر مخ بیایې چې یو شمېر نازولي په کې سپرسکیل معاشونه، لوی لوی دسترخوانونه او ډالري امتیازونه لري او همدغه وګړو سره په یوه دفتر کې په یوه بست باندې کارکوونکي نور مامورین بیا هماغه دولتي تنخواګانې لري چې د فاني دنیا ته تللی واکمن ظاهر شاه په وخت کې ورته ورکول کیدلې**

خو د آریانا کارتې په جامع جومات کې د بسپنې غوښتونکي زمونږ افغان ورور حالت له دې لامله د غور او مکث وړ دی چې نوموړی د دولت یو لوړ رتبه (دریم بست) مامور ؤ، او بیا هم دې ته اړ ؤ چې له خپلو مسلمانانو ورونو خیر او مرسته وغواړي، که دا کار د طالبانو د واکمنۍ پرمهال او یا له هغې وړاندې د پروفیسور رباني او یا د کمونیستي رژیم په وروستیو کلونو کې شوی وای، نو د سوال او تعجب وړ خبره نه وه؛ ځکه په دغه دورو کې د افغان ولس اقتصادي وضع له دې لامله ښه نه وه چې یا خو د انقلابونو او د رژیمونو د بدلون آغاز ؤ او یا یې هغه پای ؤ چې دولت او خلکو په کې د جګړو لامله خپلې شتمنۍ نړدې له لاسه ورکړې وې، او د بلې خوا د پراخې نړۍ مرستې هم زمونږ سره نه وې، ولې چې د کمونیستي رژیم په پای کلونو کې پخواني شوروی اتحاد هم د اقتصادي پلوه د امریکا په در کې د غنمو لپاره کچکول نیولی ؤ، **پاتی پر ۷مخ**

پاتی پر ۷مخ

رئیس جمهور از قدرت دولتی در انتخابات ریاست جمهوری ...

در این گفتگو عبدالجبار ثابت دادستان پیشین کشورنیز اشتراک داشت، وی اتهامات مشابهی را علیه حامد کرزی عنوان کرد و گفت که نامزدی رئیس جمهور کرزی دموکراتیک بودن نظام را تحت سوال قرار داده است. وی افزود که رئیس جمهور وطرفداران وی از تمام رسانه های دولتی به نفع خود استفاده می کنند، در حالی که سایر نامزدان این امکانات را در اختیار ندارند.

با توجه به اوج گیری مخالفت های سیاسی در برابر حکومت، انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری درمیان گروه های سیاسی حساسیت فراوان ایجاد نموده در مورد شفافیت آن نگرانی های جدی عنوان شده است.

شماری از کاندیدان انتخابات گذشتهٔ ریاست جمهوری، شفافیت آن انتخابات را زیر سؤال برده، کمیسیون مستقل انتخابات را متهم به دست کاری در نتیجهٔ رأی گیری و جانب داری از حامد کرزی نموده بودند. مشکل نبودن انتخابات کنونی نیز یکی از عوامل نگرانی مردم در مورد انتخابات آینده می باشد.

فکر می شود، ریشهٔ نگرانی موجود در مورد انتخابات ناشی از عدم شفافیت در کارکرد دولت و همچنان کم رنگ بودن تفکیک قوا در ساختار دولت و نظام سیاسی افغانستان می باشد و وابسته بودن کمیسیون انتخابات عامل دیگری است که زمینهٔ عدم شفافیت پروسهٔ انتخابات را به میان آورده است. برخی پیشنهاد می کنند که با توجه به شفاف نبودن انتخابات در کشور، انتخابات ریاست جمهوری باید توسط یک حکومت موقت بی طرف که حق اشتراک در انتخابات را نداشته برگزار گردد و یا رئیس جمهور حق نداشته باشد که در انتخابات آینده شرکت نماید.

بقیهٔ سرمقاله ...

فکر می شود گفتمان امریکایی تغییر استراتژی در افغانستان، نتوانسته است از بستر اشتباهات گذشته فاصله بگیرد هنوز هم اساس آن را سیاست های گذشته آن کشور مانند تکیه بر راهکار نظامی تشکیل می دهد. درحالی که بحران در افغانستان در نتیجهٔ برتری نظامی القاعده یا طالبان به میان نیامده، ریشه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این بحران نیرومند تر است.

ضعف و فساد حکومت در افغانستان، نبود مشارکت واقعی در ساختار قدرت و نارسایی های دیگر ساختاری و نرم افزاری نظام، در پهلوی عوامل فرهنگی و اقتصادی به عنوان سرچشمه های بحران در کشور ما باید مورد توجه قرار گیرد و هر طرحی جهت حل پایدار و نهایی بحران بر اساس آن واقعیت ها پی ریزی گردد.